

## کارگران را به آگاهی سوسیالیستی مسلح کنیم!

طی چند سال اخیر با توجه به ضرب آهنگ تند رشد جنبش های اجتماعی اعتراضات و اعتصابات متعدد، شاهد پدید آمدن کمیته ها و تشکل های مستقل با استراتژی سوسیالیستی که پا به عرصه ی مبارزه طبقاتی نهاده اند بودیم. این مهم به وضوح پیدا و ملموس است که در حال حاضر فعالین چپ و سوسیالیست با آگاهی طبقاتی و پتانسیل بالای خود پرچمدار جنبش های اجتماعی و اهرم فشاری در تقابل با نظم سرمایه داری در ایران بوده و هستند. کما اینکه فعالین سوسیالیست در جنبش کارگری، زنان و دانشجویی به کرات دخالتگر بوده و مبارزه برای ارتقاء آگاهی طبقاتی و ایجاد تشکل های توده ای کارگری را تنها آلترناتیو برون رفت از وضع موجود برگزیده اند، بعضا نیز هزینه های سنگین همچون اعدام، زندان و شکنجه را در راه رهایی جامعه پرداخته اند.

از یک سو دستگیری فعالین کارگری و سرکوب کارگران معترض توسط ماشین سرکوب بورژوازی که برای ابتدایی ترین حقوق خود مبارزه میکنند، از سوی دیگر شرایط فلاکتبار معیشتی که حاکمیت بورژوایی برای کارگران فراهم میسازد، طبقه کارگر ایران را با مشکلات فراوانی مواجه میکند. بدینگونه وظیفه سوسیالیست ها در عرصه مبارزه طبقاتی که هر روزه با سرمایه داری دست به گریبانند، وظیفه ایست بس دشوار و سنگین چون این فعالین سوسیالیست هستند که باید در راس سازمان دهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگران حضور مدام داشته باشند. پس آگاهی سیاسی و نیروی خود را باید در متشکل کردن کارگران با انواع و اقسام گرایشات راست و چپ به کار گیرند در عین حال جهت گیری این مبارزات را نیز به سمت اهداف و آرمانهای انسانی که همانا جامعه سوسیالیستی است سوق دهند.

وضعیت کنونی جنبش کارگری مرحله جدیدی از مبارزات کارگری برای کسب خواست و مطالبات صنفی و طبقاتی خود را از سر میگذراند، اما نباید گذاشت گرایش سوسیالیستی آن منجمد و کند شود زیرا روزه ای برای نفوذ اکونومیسم و رفرمیسم است. این خود می تواند در دراز مدت به یک معضل عینی و شکاف عمیقی مابین فعالین سوسیالیست و جنبش کارگری تبدیل شود که پیشروان مبارزه طبقاتی با اتخاذ تاکتیک های مناسب و کار آمد میتوانند مانع گسست سوسیالیسم علمی از بدنه این جنبش شده و چه بسی توان استثمار شوندهگان را در راه بزیر کشیدن استثمار کنندگان و حامیان آنان در ابعاد گسترده برای ایجاد یک جامعه انسانی بدور از هر نوع نابرابری بسیج کنند.

هرچند طبقه کارگر در یک حالت تدافعی که فعلا از حقوق معوقه و امنیت شغلیش دفاع میکند به سر میبرد، اما اینجاست که ضرورت انتقال آگاهی سوسیالیستی و اشاعه ی رادیکالیسم به درون طبقه حائز اهمیت است. زیرا پرداخت نکردن دستمزدها، نبود امنیت شغلی، دستمزدهای پایین، افزایش ساعات کار، تا بیکاری، فقر، فحشا و هزاران معضل و مصیبت دیگر که بر سر طبقه کارگر سرازیر میشود از شاخص های سیستم ضد انسانی سرمایه داری بوده و هست. کارگری که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کارش را به سرمایه دار میفروشد کالا تولید میکند و در مقابلش مزد میگیرد که در اکثر موارد سرمایه دار با کار سنگین و طاقت فرسا شیره جان کارگر را میمکد و دستمزدها را در پایین ترین سطح

نگه میدارد، بعضا نیز حقوقشان را نمیدهد. در نتیجه کارگر قدرت خریدش را از دست میدهد و زیر خط فقر به زیستن خود ادامه میدهد. پس تنها راه نجات بردگان کارمزدی در هم شکستن مناسبات کاپیتالیستی و برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید است.

سرمایه داران همواره به دنبال انباشت سرمایه هستند به طوری که هر زمان احساس کمبود ارزش اضافی کنند دست به سفره فقیرانه زحمتکشانشان که خود تمام امکانات رفاهی را می سازند ولی از آن بی بهره اند در از میکنند. سرمایه داران و حامیانه سرمایه که اقلیت اندکی هستند با استثمار طبقه کارگر و حتی تخریب محیط زیست جهت کسب سود بیشتر، بشریت را در نظم بربریت خود نگه داشته و در صدد نابودی کره زمین به منظور سودآوری هستند.

نظام سرماییداری زمانی هم که با بحران اقتصادی روبرو میشود با بیکار سازی، کاهش دستمزدهای توده کارگران و گرسنه گذاشتن آنان در صدد فروکش کردن بحران میباشد، اما هیچ وقت ریشه و منشأ این بحرانها را نمی تواند بخشکاند. اقلیت سرماییدار و حامیانه سرمایه با اعلام "سرماییداری پایان تاریخ است"، سعی در خلع سلاح و کند کردن مبارزات رادیکال کارگران هستند.

علت نبودن توان قوا به نفع کارگران را می توان پراکندگی مبارزات، عدم سازمانیابی اعتراضات و عدم هماهنگی مابین اعتصابات کارگران نامید. این پیشروان چپ کارگری هستند که با سازمان دادن و ایجاد هماهنگی ما بین این مبارزات میتوانند سدی باشند در برابر نا امید شدن بردگان کارمزدی از مبارزات ضد سرماییداری و نفوذ رفرمیسم در جنبش کارگری. ما فعالین سوسیالیست میتوانیم در دل همین مبارزات نطفه های تشکلهای توده ای و طبقاتی را ببندیم. همچنین شیوه تولید ناعادلانه ی سرماییداری که با خرید نیروی کار ما، تنها به دنبال افزایش ارزش اضافی است را نابود کنیم.

به یمن مبارزاتی که کارگران در برابر سرماییداری از خود نشان داده اند، باید گامهای فراتری از آنچه که هست برداشت و با دادن افق سوسیالیستی به مبارزات از عقیم شدن تلاش های کارگران برای برون رفت از این خود بیگانگی انسان جلوگیری کرد. ما فعالین سوسیالیست با فراهم کردن زمینه های مبارزاتی و در پیش گرفتن مبارزه تئوری و پراتیک میتوانیم در جهت کنار زدن موانع سر راه پیشروی جنبش کارگری با فعالیتهای بی وقفه خود مبارزه کنیم.

فعالین سوسیالیست باید با افشای ماهیت گرایشات ناسیونالیستی، رفرمیستی و غیر کارگری که در صدد حفظ نظام طبقاتی سرماییداری و کشاندن طبقه کارگر به قهقرا هستند، راه را برای توده کارگران بمنظور کنار زدن سرماییداری و حامیانش هموار سازند. ما با نقد جریانات غیر کارگری که برای کارگران اشک تمساح میریزند اما فی الواقع در توهمات خود دنبال خیز بسوی قدرت سیاسی هستند و خود را در مقام قیوم طبقه کارگر می بینند ماهیت واقعی این فرصت طلبان را افشا خواهیم کرد

همه اینها نیازمند این است که کارگران را به آگاهی سوسیالیستی مسلح کنیم.

## **زنده باد سوسیالیسم**

فرهاد ابراهیمی- مهر ۱۳۸۷

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری